

مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای

سال سوم، شماره یازدهم، زمستان ۱۳۹۰

دریافت: ۱۳۹۰/۴/۳ - پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۲۲

صص ۷۴-۵۷

زنان در بازار کار شهری؛ مطالعه تطبیقی شهرهای تهران و مونترال**

زهرا فنی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران*

چکیده

یکی از معضلات مهم شهرها و روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به ویژه زنان تحصیل کرده‌ی در جستجوی کار و متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره‌وری، افت درآمد سرانه و رفاه است. این مطالعه‌ی تطبیقی، بر پایه آمار جمعیتی سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶) و مشاهدات و مصاحبه‌های انجام شده در سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۱۱ شکل گرفته است. مقاله با هدف ترسیم دورنمایی از جنبه‌های مثبت و فرصت‌ها برای کارآفرینی و کاهش بیکاری زنان شهر تهران، شاخص‌های اشتغال و بیکاری، تفاوت‌های موجود در سطح و نوع اشتغال زنان، علل و مکانیزم‌های آنها و به ویژه نظام آموزشی را بررسی و تحلیل کرده است. این پژوهش، بر پایه سوال اصلی: علل تفاوت ساختاری در سیستم آموزشی دو شهر تهران و مونترال، و این که؛ تاثیر پذیری اشتغال زنان عمدتاً از چه عواملی است؟ و فرضیه منطبق با آن که: نظام آموزشی و فرهنگ کار، علل مهم تفاوت ساختاری در اشتغال زنان مونترال و تهران است، شکل گرفته است. به این ترتیب، فرضیه، بر تفاوت عمیق میان دو سیستم آموزشی کار محور و تخصص گرا در مقابل مدرک‌گرا و در نگرش و تلقی از کار و اشتغال، تاکید دارد. نتیجه اصلی این پژوهش: تایید فرضیه، یعنی وجود ساختار آموزشی حرفه و کار محور شهر مونترال سبب اشتغال بالای جمعیت، به ویژه زنان در مقایسه با شهر تهران شده است. از دیگر نتایج مهم این مطالعه برای مدیریت شهری به ویژه در تهران: ضرورت ایجاد و گسترش نظام آموزشی مبتنی بر کسب مهارت، حرفه و سواد کاربردی برای همه افراد؛ نظام حقوقی و قانونی روشن؛ شفاف و قطعی در اجرای ضوابط و قوانین مصوب در زمینه اشتغال همه افراد؛ فضای فرهنگی حفظ کرامت و اعتبار انسانی صرف نظر از جنس، و تسهیل کننده اشتغال برای همه انسان‌ها و سیستم اقتصادی و مالی پویا، کارآمد و باثبات، همراه با تشویق و تسهیل منجر به تولید شغل و کارآفرینی زنان شود. این مجموعه می‌تواند در نهایت، از بروز تخلفات و موانع متعدد کاسته و بستر مناسب برای کاهش بیکاری و ارتقاء موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان در جامعه شهری ایران فراهم نماید.

واژه‌های کلیدی: سیستم آموزشی، اشتغال زنان، بازار کار، مدیریت شهری، تهران، مونترال

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مساله

اشتغال نقش مهم و حیاتی در تداوم زندگی انسانی و آثار مستقیمی بر پویایی‌ها و پیشرفت‌های اجتماعی-اقتصادی جامعه دارد (ILO, 2010, Women in Labour Markets: 2; Momsen, J. 2004: 40). یکی از اهداف مهم هر نظام و ساختار اقتصادی-سیاسی و اجتماعی در جهان، تامین حداکثر رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم است که از طریق توزیع عادلانه درآمد، بهبود سطح امکانات و فرصت‌های آموزشی، بهداشتی و رفاهی، حاصل می‌شود و این محقق نخواهد شد، مگر اینکه تمامی اعضای جامعه (اعم از زن و مرد) در فعالیت‌های درآمدزای اقتصادی مشارکت داشته باشند (Tzannatos, Z., 1998: 2). هر چه این مشارکت بیشتر باشد، کاهش نرخ باروری، افزایش سطح تولید و بهره‌وری و در نتیجه، افزایش درآمد سرانه و رفاه اقتصادی-اجتماعی افراد و کل جامعه را به دنبال خواهد داشت. عکس این موضوع، در اغلب کشورهای جهان، به ویژه کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود (Domoh. M. & J. Seager, 2001: 60-61): دسترسی نابرابر و محدود به امکانات و فرصت‌های شغلی و درآمدزا، که به صورت بیکاری یا کم‌کاری، فقر و عدم تامین نیازهای گوناگون افراد مشخص می‌شود. بی‌تردید، عوامل ساختاری (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) مهمی بر روند اشتغال زنان و مردان در جوامع تاثیرگذار است که می‌تواند بیش‌تر، نگرش و رفتار اشتغالی ویژه آنها را شکل دهد و هدایت نماید؛ ضمن اینکه، اهمیت مکانیزم‌های اقتصادی، در پیشبرد اهداف توسعه

اشتغال در جوامع بر پایه این فرهنگ، ارزیابی و سنجیده می‌شود.

جغرافی دانان شهری هم مانند دیگر اندیشمندان حوزه علوم انسانی، در تئوریزه کردن و تحلیل مفاهیم و آثار سیاست‌های نئولیبرالی در اداره امور و نظارت-های محلی و شهری معاصر، و از این‌رو، در ساختار اشتغال شهری پیشگام بوده‌اند. و به همین دلیل، جغرافیای شهری، از نابرابری‌های جدید در درون و بین شهری، سخن می‌گوید. یکی از کارهایی که جغرافیدان‌های شهری در دانشگاه‌های امریکای شمالی، بدان می‌پردازند، (ببینید Collins, J.L., & Leonardo, M.D., 2008: 4-6; Brugmann, J., 1989: 6, 11-15; Harvey 2009: 3-7)، بررسی مسائل شهرها، در مقیاس و چارچوب تعدیل ساختاری نئولیبرال است و یا موضوع روابط میان روند وابستگی، جهانی شدن و دگرگونی‌های سریعی که سیاست‌های نئولیبرالی مختلف در نوآوری‌های مرتبط می‌شود و بین شهرها در حال انتقال است (Walks, R. Alan, 2009: 3). یکی از این تحقیقات، می‌تواند بررسی ابعاد و ویژگی‌های متفاوت اشتغال زنان در شهرها باشد؛ شهرهایی که در دو گروه یا مرتبه مختلف، از حیث سیاست‌گذاری‌ها و شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارند. اشتغال زنان، به عنوان بخشی از جامعه انسانی، با شدت بیشتری، از عناصر و عوامل تاریخی و ساختاری موثر بر ترکیب اشتغال در جوامع، متاثرند؛ عناصر و عواملی که در شهرهای مختلف جهان، با درجاتی، متفاوتند. بررسی و مطالعه این تفاوت‌ها و علل آنها هدف اصلی تحقیق حاضر بوده است. همچنین این بررسی می‌تواند به شناخت جنبه‌های

۱-۲- ضرورت و اهمیت

یکی از چالش‌های مهم جوامع انسانی به ویژه در عصر جهانی شدن و ماشینی تر شدن فعالیت‌ها، تامین اشتغال است. علاوه بر آن، موضوع ایجاد و تنوع اشتغال، جایگاه مهمی در سیاست‌گذاری‌ها و تحکیم اقتدار ملی کشورها دارد چراکه رشد بیکاری، ضمن کاهش بازدهی منابع اقتصادی- انسانی، موجب تشدید مسائل و شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه می‌شود. از این رو، ضرورت و اهمیت بررسی و مطالعه موضوع و راهکارهای اساسی برای کاهش بیکاری و ارتقاء بهره‌برداری از منابع انسانی، تقویت رشد اقتصادی و حفظ کرامت انسانی، امری محرز و بدیهی است.

۱-۳- اهداف تحقیق

از جمله هدف‌های بررسی این موضوع عبارتند از:
 - بررسی و شناخت علل و عوامل ساختاری موثر در پدیده اشتغال (به ویژه برای زنان) در هر دو جامعه شهری تهران و مونترال، به منظور دستیابی به تفاوت‌ها و تمایزهای مثبت و منفی میان آنها؛
 - مطالعه و ارزیابی جنبه‌های مثبت فرهنگ کار و اشتغال در جامعه‌ای که بیش از ۵۰ درصد زنان، دارای موقعیت شغلی هستند و به دنبال آن، جمع‌بندی و ارائه دورنمایی برای ارتقاء اشتغال در ایران و تهران.

۱-۴- پیشینه پژوهش

موضوع اشتغال و تامین آن در جوامع گوناگون و از زوایای متعدد، از سوی محققان و پژوهشگران زیادی در ایران و جهان بررسی شده است، با این تفاوت که روش کار آنها اغلب تطبیقی نبوده است و

ساختاری اشتغال (از جمله برای زنان)، جنبه‌های مثبت و منفی و ترسیم دورنمایی برای آینده جوامع مورد مطالعه کمک کند.

فقر فزاینده جهانی، مختص زنان نیست و مسأله اساسی کل جوامع است. ولی توانمند نبودن اقتصادی زنان، نقش آنها را در بنیان خانواده، تحت تاثیر قرار می‌دهد. به علاوه از آنجایی که زنان، در جریان مستقیم مسائل خانواده‌ها در رابطه با جامعه هستند، فقر آنها علاوه بر خانواده، کل جامعه را متأثر می‌سازد. مطالعات بسیاری در جهان نشان داده‌اند، تلاش‌های توسعه‌ای و اجرای برنامه‌های متعدد برای توانمندسازی اقتصادی زنان در جهان، نتایج و آثار گسترده‌ای به دنبال نداشته‌اند (Momsen, J, 2004: 3-4; Bahramitash, R. 2005: 6).

جامعه معاصر ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان، با خیل عظیمی از جمعیت زنان تحصیل کرده مواجه است که بازار کار و مکانیزم‌های آن نمی‌تواند در جذب و اشتغال همه‌ی آنها موفق باشد؛ از این رو، یکی از معضلات مهم شهرها و حتی روستاهای ایران، شمار روزافزون زنان بیکار، به ویژه زنان تحصیل کرده‌ی در جستجوی کار، متعاقب آن، کاهش سطح تولید و بهره‌وری، و افت درآمد سرانه و رفاه است (یزدخواستی. بهجت و وکیل احمدی، ۱۳۸۶: ۲۲؛ علمی. زهرا، ۱۳۸۳: ۱۸). شناخت و بررسی علل و عوامل این مسأله در جهت کاهش اثرات منفی آن، از وظایف مهم پژوهشگران و محققان از جمله در حوزه مطالعات شهری است؛ کاری که می‌تواند بصورت تطبیقی و تحلیلی و بر پایه داده‌ها و آمارهای موجود در زمینه شاخص‌های مربوطه بین شهرهای موفق و ناموفق انجام شود.

آموزش عالی نسبت به مردان. در اشتغال بخش عمومی نرخ مشارکت زنان افزایش یافت و این افزایش مشارکت در نیروی کار را منطبق با تئوری‌های فمینیستی می‌داند. (Bahramitash, 2003, 2005, 2007)

- ژانت مامسن نیز از محققان در حوزه زنان، در کتاب خود (۲۰۰۴)، به اثرات جهانی شدن، گسترش ایدئولوژی و گرایش‌های سیاسی نئولیبرالیستی و سرمایه‌داری در ساختارهای متفاوت اشتغال زنان در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه می‌پردازد و وی معتقد است که از اثرات بارز آنها، ترویج تبعیض جنسیتی بازار کار، افزایش بیکاری و تنزل موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان است.

۱-۵- سوال و فرضیه تحقیق

سوال اصلی و محوری تحقیق این است که: علل و عوامل تفاوت ساختاری در سیستم آموزشی دو شهر تهران و مونترال کدامند؟ و تاثیر پذیری اشتغال زنان عمدتاً از چه عواملی است؟ فرضیه منطبق با پرسش مذکور نیز این است که: نظام آموزشی و فرهنگ کار، عوامل مهم و اصلی تفاوت ساختاری در اشتغال زنان مونترال و تهران است. به این ترتیب، فرضیه، بر تفاوت سطح تحصیلات میان زنان این دو جامعه شهری تاکید دارد. این پژوهش فرض می‌کند، اخذ مدرک و سطح تحصیلات بر نرخ ورود به بازار کار زنان در دو شهر مورد مطالعه، تاثیر گذارست. بنابراین، در این پژوهش، بین اخذ مدرک تحصیلی با آموزش و مهارت‌های شغلی برای ورود به بازار کار، تفاوت قائل شده‌ایم. همچنین فرض شده که این دو جامعه، از حیث نگرش و تلقی از نفس کار و فعالیت اقتصادی

به ویژه در هیچ یک از آنها، به بررسی اثرات سیستم آموزشی و تحصیلی بر این موضوع، به خصوص بین دو کلانشهر، پرداخته اند. از جمله این مطالعات عبارتند از:

- بهجت یزدخواستی و وکیل احمدی، در سال ۱۳۸۶، به بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری ۱۳۸۵، و ارائه چارچوبی کلی مبتنی بر آمار و اطلاعات در مورد اشتغال زنان در ایران پرداخته شده‌اند.

- لادن نوروزی (۱۳۸۲) در تحقیق خود به "عدم تعادل‌ها و تفاوت‌ها در ساختار اشتغال و بازار کار ایران" اشاره و یکی از ویژگی‌های این بازار را مشارکت ناچیز زنان در مقایسه با مردان ذکر کرده است. هر دو تحقیقات مذکور، بر حقایقی در جامعه تاکید دارند از جمله اینکه، در سالهای آینده تعداد کثیری از دختران فرصت ازدواج نخواهند داشت. نرخ طلاق نیز رو به افزایش است و بر تعداد خانوارهای زن سرپرست افزوده خواهد شد. این خانوارها با احتمال بیشتری زیر خطر فقر قرار می‌گیرند و انواع آسیب‌های اجتماعی زندگی آنها و افراد تحت سرپرستی آنان را تهدید می‌نماید. این عوامل در کنار بالارفتن سطح تحصیلات دختران، بر تقاضا و ضرورت اشتغال زنان می‌افزاید.

- رکسانا بهرامی تاش، در مطالعات متعدد خود راجع به وضعیت اقتصادی زنان در ایران و جهان، به افزایش اشتغال زنان بعد از دهه ۱۹۹۰ نسبت به قبل از انقلاب اسلامی، اشاره می‌کند. وی بخشی از این تغییرات را تحت تاثیر رفع موانعی می‌داند که انقلاب اسلامی موجب شده است، از جمله: ترویج آموزش عمومی و نهضت سوادآموزی و افزایش زنان در

- توزیع جمعیت زنان در سن کار، بر حسب موقعیت عمده فعالیت (شاغل^۲، بیکار^۳ و غیرفعال^۴)؛
- نرخ مشارکت زنان در بازار کار یا درصدی از زنان واقع در سن کار، که در بازار کار فعال هستند؛
- نسبت زنان شاغل به کل جمعیت زنان در سن کار؛
- نرخ بیکاری زنان؛
- اشتغال بخشی (کشاورزی، صنعت، خدمات)؛
- توانایی‌ها و مهارت‌های تحصیلی، آموزشی نیروی کار؛
- جمعیت زنان خارج از نیروی کار یا درصدی از زنان واقع در سن کار که قبلاً شاغل نبوده‌اند و اکنون نیز به دنبال کار نیستند.

۸-۱- محدوده و قلمرو پژوهش

این مطالعه، به صورت موردی بین دو کلانشهر^۵ تهران و مونترال کانادا، بر پایه اطلاعات و آمار سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶)، انجام شده، و با تاکید بر شاخص‌های اشتغال و بیکاری، تفاوت‌های موجود در سطح و نوع اشتغال زنان، میان دو شهر ذکر شده، علل آنها را بررسی و تحلیل کرده است. همچنین در این تحقیق، به برخی از مکانیزم‌ها و شرایطی که سبب تشدید این تفاوت‌ها می‌شوند، تاکید شده و سعی بر آن بوده است تا در مجموع، چشم انداز یا دورنمایی از فرهنگ کار ۲ درصدی از جمعیت واقع در سن کار که در زمان مطالعه مشغول به کار بوده و نقشی در ایجاد بهره‌وری داشته‌اند.

۳ درصدی از جمعیت واقع در سن کار که در جستجوی کار است

۴ افراد در سن کاری که خارج از بازار کار قرار دارند؛ یعنی کسانی که کار نمی‌کنند و بدنبال یافتن کار هم نیستند.

۵ معنا و محدوده کلانشهر منطبق بر و مترادف با معنا و محدوده شهر بزرگ است، که با تعریف و محدوده «منطقه کلانشهری» متفاوت است.

متفاوتند و این متغیر بر سطح اشتغال زنان در آنها تاثیرگذارست.

۶-۱- روش تحقیق

این پژوهش تطبیقی-تحلیلی، ابتدا با تکیه بر منابع و اسناد کتابخانه‌ای و وب سایت‌های اینترنتی به تدوین پایه‌های نظری موضوع، بررسی و تعیین شاخص‌های قابل سنجش برای موضوع، و گردآوری اطلاعات و متون مورد نیاز برای پردازش آنها پرداخته و سپس از طریق مشاهده‌های میدانی و مراجعه به مراکز، نهادها و افراد مرتبط با اشتغال و کار در سطح شهر تهران و مونترال، و انجام مصاحبه با آنها، علل و عوامل تفاوت‌های ساختاری اشتغال زنان دو شهر را مورد شناسایی، بررسی و تحلیل قرار داده است. با وجودی که کلانشهر مونترال، از جنبه‌های فرهنگی، مسائل و مشکلات خاصی دارد، ولی در تحقیق حاضر، با مطالعه اسناد و مدارک، از حیث اقتصادی و اشتغال، مسائل کمتری داشته و از این رو، بعنوان «نمونه شاهد»، برای ساختار اشتغال شهر تهران، تلقی شده است.

۷-۱- شاخص‌ها و متغیرها

شاخص‌های سنجش بازار نیروی کار زنان شهرهای مورد مطالعه در این پژوهش، از سازمان بین‌المللی کار^۱، (ILO : 2010 : 24-46) اقتباس شده که با آزمون آنها، به مطالعه کلی موقعیت زنان در بازار کار مناطق جهان پرداخته است. شاخص‌هایی که اساس سنجش موضوع، در مطالعه حاضر را تشکیل داده، عبارتند از:

حضور در محل کار و واگذار کردن کار را در میزان بهره‌وری نیروی کار موثر می‌داند. ولی تجربه نشان داده که این متغیرها تنها بخشی از شکاف درآمدی میان مردان و زنان را توجیه پذیر می‌کند. (Momsen, Ibid:166-167 و علمی. زهرا، همان: ۱۹-۲۱)

۲-۲- نظریه تفکیک جنسیتی بازار کار

این دیدگاه، برای تبیین نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال، بر ساختار بازار نیروی کار تاکید دارد و فرض می‌کند که بازار نیروی کار به دلیل موانع نهادی تفکیک شده، اما در درون هر بخش، اصول نئوکلاسیک اعمال می‌شود: هر یک از قسمت‌های بازار نیروی کار، به بخش‌های اولیه و ثانویه تقسیم شده؛ مشاغل بخش اول دارای ابعاد پیشرفته‌ای در آموزش و پرداخت هستند در حالی که مشاغل بخش دوم پرداخت ناچیز و امنیت کمی دارند. به دلیل رویگردانی یا واگذاری کار از سوی زنان، آنها بیشتر به اشتغال در بخش دوم تمایل دارند در حالی که مردان، مشاغل نوع اول را ترجیح می‌دهند. با این وجود، واگذاری کار و غیبت در مشاغل سطح پایین و بدون آینده، نظیر مشاغل بخش دوم که زنان در آنها تمرکز زیادی دارند، بیشتر است و بنابراین ابعاد اعتباری شاغلان می‌تواند به دلیل تفاوت‌های جنسیتی در نوع اشتغال، بیش از خصایص اکتسابی زنان باشد. دیگر عوامل موثر در این تفکیک جنسیتی عبارتند از: سازمان‌یابی بهتر کارگران مرد در دفاع از تفاوت‌های مهارتی (حرفه‌ای) و درآمدی، اصرار آنها در رقابت نیروی کار ارزان (اغلب زنانه) و نقش روابط جنسیتی و دیدگاه‌های مرد سالارانه‌ای که ساختار موسسات تجاری را کنترل می‌کنند. در شهرهای جنوب، که

و اشتغال جنسیتی دو شهر، ترسیم و ارائه شود. از این رو، جامعه مورد بررسی، زنان شاغل و بیکار در هر دو کلانشهر مورد نظر است.

۲- مبانی نظری

از آن جایی که همواره، زنان از حیث موقعیت شغلی و میزان درآمد، شرایط متفاوتی با مردان داشته‌اند، نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی هم برای تحلیل و تبیین این تفاوت‌ها شکل گرفته و ارائه شده‌اند. دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف در مورد موقعیت ضعیف زنان در بازار کار، عبارتند از: نظریه نئوکلاسیک، نظریه تفکیک بازار کار، نظریه نئولیبرالیسم و اشتغال، و نظریه‌های فمینیستی است (علمی. زهرا، ۱۳۸۳: ۱۹؛ Momsen, J. 2004:166).

۲-۱- نظریه نئوکلاسیک

این نظریه فرض می‌کند که در شرایط رقابتی، دستمزد بر پایه نرخ بهره‌وری کارگران پرداخت می‌شود؛ بنابراین، تفاوت‌های دستمزدی میان زنان و مردان، به دلیل بهره‌وری پایین‌تر زنان یا به دلیل کامل نبودن بازار است. این دیدگاه می‌پندارد از آنجایی که منابع خانواده برای آموزش و تحصیلات اعضای مرد خانواده، اختصاص پیدا می‌کند و زنان برای انجام اموری مانند خانه‌داری و بچه‌داری که آموزش خاصی نمی‌خواهد، پرورش می‌یابند، از این رو، سواد و تحصیلات و تجربه شغلی کمتری دارند. بنابراین، نظریه نئوکلاسیک، تفاوت جنسیتی در اشتغال را بر پایه تفاوت در سرمایه انسانی، تشریح می‌کند، یعنی زنان به دلایل مسئولیت‌های خانوادگی، قدرت جسمانی، آموزش و تحصیلات، ساعات کار، عدم

این گونه نظریه‌های اقتصادی معتقدند که نقش‌های جنسیتی در جامعه، ثابت و برپایه موقعیت پست زنان در بازار کار استوارند. این موضوع موجب طرح برخی مباحث حاشیه‌ای، مبنی بر اینکه، چون زنان در محیط کاری قادر به کسب درآمد به اندازه مردان نیستند، ماندن آنها در خانه و انجام وظایف خانگی بدون دستمزد اقتصادی ترست، شده است. واضح است که نظریه‌های اقتصادی نمی‌توانند تفاوت‌های جنسیتی در بازار کار را به طور کامل تشریح کنند و در حاشیه قرار گرفتن زنان بیشتر به دلیل تبعیض بر پایه تعصب‌های اجتماعی پدید می‌آید. (ر. ک به: علمی. زهرا، ۱۳۸۳، لادن نوروزی، ۱۳۸۲)

۲-۳- نظریه‌های فمینیستی

نظریه‌های فمینیستی بر اهمیت عوامل فرهنگی و اجتماعی در تحدید دسترسی زنان به بازار کار تاکید دارند. این نگرش‌ها عملکرد متقابل نقش‌های تولید مثل و اقتصادی زنان را بیشتر به عنوان موضوع کلیدی و شرط ثابت، بررسی می‌کنند. اختصاص فعالیت‌های خانه‌داری و بچه‌داری به زنان، در بیشتر جوامع حتی با وجود افزایش مشارکت و حضور زنان در بازار کار، مورد تاکید است. مشارکت نیروی کار زنان در مناطق شهری بر وضعیت خانه‌داری تاثیر می‌گذارد، به گونه‌ای که خانواده‌ها کوچکتر شده و یا از شکل خانواده‌های هسته‌ای به دو شکل خانواده گسترده و خانواده دارای سرپرست زن تغییر ماهیت داده‌اند. همزمان، به دلیل افزایش فرصت‌های بخش رسمی برای زنان، خدمتکار خانگی نیز کمیاب و گران‌تر شده است. همچنین مزایای آموزش به ویژه برای دختران

زنان، اغلب از ورود و اشتغال در اقتصاد سرمایه‌داری منع شده‌اند (Tam, V., 1999: 56)، فرایند صنعتی کردن، با تمرکز سرمایه و به ویژه با سرمایه خارجی و فناوری وارداتی، به عنوان بخش جدید یا رسمی، سطح مشخصی از بازار کار را جذب می‌کند و اشتغال زنان به دلایل و یا تلقی‌هایی از جمله، فقدان تجربه‌ها و توانایی‌های آموزش رسمی، تصور تعهد شغلی کمتر برای زنان و مهارت‌های سرمایه‌بری که مردانه تلقی می‌شوند، تضعیف شده است؛ در مقابل، اشتغال زنان در خارج از این بخش و در بخش غیر رسمی یا سنتی بازار کار بیشتر است. ساز و کارهای تولید در این بخش، از جمله خوداشتغالی^۱، کار در منزل (خارج از کارخانه)، کارآفرینی خانوادگی^۲ و خدمات خانگی، به زنان در ترکیب تقاضا برای فعالیت‌های همزمان تولید مثل و تولید اقتصادی انعطاف‌پذیری لازم را می‌دهد. این بخش همچنین عرضه نیروی کار برای صنایع بزرگ را انعطاف‌پذیر می‌کند، به طوری که می‌توانند در زمان اوج تقاضا، با سرمایه‌گذاران کوچک، قراردادهای جنبی منعقد کنند (Ibid:56-57).

با این وجود، این دیدگاه، طیف وسیعی از فناوری‌های صنعت مدرن را نادیده گرفته که برخی از آنها نظیر کار سبک مونتاژ، به نفع زنان، تفاوت قائل می‌شود. همچنین این مدل از تقاضای زیاد برای کارگران زن که به دنبال گسترش مشاغل جدید اغلب زنانه مانند امور دفتری، آموزشی و پرستاری پدید آمده است، غافل مانده و جدایی شدید جنسیتی در بخش غیر رسمی و نیز حرکت مکرر افراد بین بخش‌های رسمی و غیر رسمی را تشریح نکرده است.

1 Self-employment

2 Family enterprise

نظریه پردازانی چون (Collins, J.L., & Fagan, B. and Leonardo, M.D., 2008: 4, Dowling, R. 2005:72) و (Quiggin, J., 2000:15)، معتقدند که سیاست‌های نئولیبرالی از طریق فرایند جهانی شدن توسعه اجتماعی کشورها را - با سیاست‌های ملی اصلاح یا تعدیل بازار آزاد - مورد حمله قرار داده است. از این رو، در شرایط فعلی، یک خط مشی اساسی مبتنی بر همکاری بین‌المللی و سیاست اقتصادی، اجتماعی فعال ملی ضرورت پیدا کرده است. مشکل اساسی سیاست اشتغال در سال‌های اخیر این بود که رشد اشتغال در گرو رشد دیگر خدمات انسانی مانند بهداشت، آموزش و رفاه بوده در حالی که، ظهور جهانی شدن نئولیبرالی، مسائل حادی را در بخش خدمات انسانی پدید آورد. از سوی دیگر، اصلاحات و تعدیل بازار (آزاد سازی) هم روندی غیر همگانی و هم ناموفق بود و عملاً به تنش‌های خدمات عمومی و به ویژه بهداشت و درمان و آموزش دامن زد. آنچه به وضوح در حال حاضر در بازار کار کانادا و از جمله شهر مونترال دیده می‌شود، چالش مهم ایجاد مسالمت میان این دو بخش، یعنی خصوصی سازی اقتصادی در کنار ترویج خدمات اساسی اجتماعی و آنچه سبب رشد اشتغال همگانی، بدون ایجاد محدودیتی برای جنسیت خاص می‌شود، است. (Collins, J.L., & Leonardo, M.D., 2008: 4) (Fagan, B. and Dowling, R. 2005:72) و (Quiggin, J., 2000:15)

آنچه برای تحقیق حاضر حائز اهمیت است، اثرات متفاوت این سیاست‌ها، در ساختار اشتغالی، به ویژه اشتغال زنان در کشورهای توسعه یافته و در حال

بیشتر شده و بنابراین، فرزندان وقت کمتری برای کمک به مادران خود در خانه دارند. به دنبال آن، بار مسئولیت‌های خانگی، به شدت بر دوش زنان در خانواده سنگینی می‌کند (ر. ک به: Domosh, M., and J. Seager. 2001:25-36)

تحولات در فرصت‌های شغلی زنان، تضاد و شکاف بین زنان تحصیل کرده، زنان طبقه متوسط و بالای اجتماعی را با زنان فقیر افزایش می‌دهد؛ استخدام زنان در مشاغل مانند تدریس و پرستاری در ظاهر، وسیع‌تر از نقش‌های خانوادگی آنها و از این رو، بی‌ارزش به شمار می‌آیند. در بسیاری از مشاغل، خصایص منسوب به مردان مانند قدرت جسمانی، با ارزش‌تر از مشخصه زنانه‌ای چون زبر دستی و مطیع بودن تلقی می‌شوند (مامسن، ژانت، ۱۳۸۸، ۱۶۸-۹).

۲-۴- نظریه نئولیبرالیسم و ساختار اشتغال

سیستم فکری و سیاست‌های نئولیبرالیستی، از اوایل دهه ۸۰ میلادی، ابعاد و جنبه‌های ساختاری کشورهای جهان، اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را تحت تاثیر قرار داده است بگونه‌ای که تقریباً در تمامی آثار و نوشته‌های اندیشمندان و نظریه پردازان اقتصادی، مطالعات شهری و جامعه‌شناسی، مباحث و تحلیل‌های قابل توجهی مطرح شده است. در واقع، تئوری اقتصادی نئولیبرالیسم در پاسخ به ناتوانی تئوری کینز، و در تکمیل آن برای گذار از بحران‌های اقتصادی سده بیست میلادی، به ویژه موج بیکاری آن ارائه شد.

آشکاری را نشان می دهد. در مونترال با همه توسعه اقتصادی و اجتماعی، بازار کار زنان با تحصیلات عالی بالاتر از دکتری، به دلیل اینکه باید دستمزد برابری با مردان با همین رتبه علمی و تحصیلی دریافت کنند، کساد یا در اغلب موارد، اشباع شده؛ در حالی که بازار کار زنان و دختران با سطح تحصیلات پایین تر و حتی با حداقل سواد، در مشاغل مانند خدمتکار خانگی، بسیار پررونق است (مصاحبه‌های انجام گرفته با کارکنان مرکز اجتماعی کارگران مهاجر در مونترال ۹، شهر مونترال، ۲۰۱۱ و Women and the EI Program).^{۱۰} این روند، نشان دهنده تسلط نوعی در حاشیه قرار دادن زنان است که با در حاشیه قرار گرفتن زنان تحصیل کرده در ایران تفاوت ریشه‌ای و ساختاری دارد. (ر.ک به: یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل، ۱۳۸۶: ۲۴)

۳- یافته‌های تحقیق

در این جا به منظور ارزیابی فرضیه، با گردآوری، اقتباس و محاسبه داده‌ها و نتایج سرشماری‌ها، به بررسی و تحلیل موقعیت زنان در بازار کار دو شهر تهران و مونترال پرداخته شده است؛ اما پیش از پرداختن به یافته‌ها، لازم است چند نکته روشن شود:

- از آنجایی که جمعیت دو کلانشهر، و از جمله جمعیت زنان، و به ویژه نسبت زنان فعال اقتصادی آنها، تفاوت زیادی با هم دارد، لازم است تا تحلیل یافته‌ها نیز با دقت و ظرافت خاصی انجام گیرد. البته، تشابه تعبیر و تعاریف شاخص‌های جمعیتی بین این

توسعه است. یکی از اثرات مهم این سیاست‌ها در کشورهای در حال توسعه، به پدیده «به حاشیه راندن زنان در اشتغال شهری»^۸، معروف شده است. به عبارت دیگر، کاهش تدریجی نقش زنان، در تولید اقتصادی، تحت تاثیر برنامه‌های نظام جدید سرمایه‌داری، در کشورهای در حال توسعه، در قالب چهار مورد، به شرح زیر قابل بررسی است: نخست اینکه، زنان اغلب به دلیل زمینه ضعف جسمی، آسیب روحی یا فقدان تسهیلات برای کارگران زن، از ورود به انواع معینی از مشاغل منع شده‌اند. دوم، در حاشیه قرار دادن می‌تواند حاشیه نشینی در بازار کار، یعنی حضور زنان، بیشتر در بخش غیر رسمی، با دستمزد کم و شغل‌های نا امن تر باشد. سوم، شمار کارگران زن در مشاغل آنقدر زیاد شده باشد که آن شغل‌ها زنانه تلقی شوند و از این رو، موقعیت پایینی کسب کنند. چهارمین جنبه به حاشیه راندن، به نابرابری اقتصادی تعبیر شده که به تمایزات اقتصادی ناشی از تفاوت‌های شغلی مربوط می‌شود، مانند دستمزد کم، شرایط بد کار و فقدان مزایا و امنیت شغلی در «کار زنان» (ر.ک به: مامسن ۲۰۰۴: ۱۶۷-۱۶۹)

با مرور نظریه‌ها و دیدگاه‌های بالا، می‌توان چنین استنباط نمود که اشتغال زنان نیز همانند مردان، و البته با شدت بیشتری، از دیدگاه‌ها و دستورالعمل‌های متأثر از ایدئولوژی سرمایه داری و نئولیبرالیسم جهانی، تاثیر می‌پذیرد. عناصر ساختاری موثری که در کشورها و شهرهای مختلف جهان، با درجاتی متفاوت مطرح هستند. برای نمونه، این تاثیر پذیری در مکانیزم اشتغال جنسیتی دو جامعه مورد بررسی، تفاوت

9. Immigrants Workers center, Montreal, Qc

۱۰ نتایج به دست آمده از مصاحبه با چند نفر از اساتید دانشگاه

مونترال؛ ۲۰۱۱.

⁸ Female Margination

دو شهر، تجزیه و تحلیل داده‌ها را امکان‌پذیر ساخته است.

- صورت و شکل برخی از طبقه بندی‌ها، در ارائه نتایج سرشماری‌ها بین دو کشور و در نتیجه، بین دو شهر متفاوت است. برای نمونه در ایران، گروه‌بندی جمعیت واقع در سن کار، بر پایه فعال اقتصادی و غیراقتصادی، ولی در کانادا این طبقه‌بندی، تنها بر پایه جمعیت داخل در بازار کار و خارج از بازار کار صورت گرفته است.

- معمولا برای بررسی وضعیت فعالیت اقتصادی در هر جامعه‌ای، اطلاعات و آمار موجود در مورد جمعیت بالای ۱۰ ساله، و برای محاسبات مربوط به اشتغال و بیکاری، آمار جمعیت ۱۵ ساله و بالاتر، مورد توجه و محاسبه قرار می‌گیرد. از این‌رو، برای دستیابی به نتایج علمی دقیق‌تر، بررسی‌های پژوهش حاضر بر اساس جمعیت زنان هر دو شهر، از این دو مقطع سنی، صورت گرفته است.

جدول ۱- توزیع جمعیت زنان بالای ۱۰ سال شهرهای تهران و مونترال به تفکیک گروه‌های سنی (۲۰۰۶-۱۳۸۵)

گروه‌های سنی	کل زنان بالای ۱۰ سال							تعداد	شهر تهران
	۱۹-۱۰	۲۹-۲۰	۳۹-۳۰	۴۹-۴۰	۵۹-۵۰	۶۹-۶۰	۷۰ ساله و بیشتر		
تعداد	۶۱۷۷۵۰	۹۲۸۰۱۵	۶۳۱۸۰۳	۵۲۱۲۱۸	۳۳۱۲۵۲	۱۸۱۴۳۸	۱۴۶۵۲۹	۳۳۵۸۰۲۵	شهر تهران
درصد	۱۸/۴	۲۷/۶	۱۸/۸	۱۵/۵	۹/۸	۵/۴	۴/۳	۱۰۰	شهر تهران
تعداد	۸۲۴۴۵	۱۳۵۰۲۵	۱۲۱۳۷۵	۱۲۱۹۴۰	۱۰۸۹۰۵	۷۷۱۰۵	۱۱۴۰۸۵	۷۶۰۸۸۰	شهر مونترال
درصد	۱۰/۸	۱۷/۷	۱۶	۱۶	۱۴/۳	۱۰/۱	۱۵	۱۰۰	شهر مونترال
تعداد	۱۴۱۷۶۰	۲۵۰۳۶۰	۲۵۹۳۷۰	۳۰۴۰۹۵	۱۳۳۳۵۰	۱۷۳۵۲۰	۲۱۴۹۲۰	۱۳۲۱۱۷۵	منطقه کلانشهری مونترال
درصد	۱۰/۷	۱۸/۹	۱۹/۶	۲۳	۱۰	۱۳/۱	۱۶/۲	۱۰۰	منطقه کلانشهری مونترال

منبع: برگرفته از نتایج سرشماری دو شهر در دو مقطع همزمان (۲۰۰۶-۱۳۸۵) و www.statcan.gc.ca

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، بین تعداد و درصد جمعیت زنان واقع در سن فعالیت و اشتغال دو شهر تفاوت‌های زیادی وجود دارد از جمله: جوان‌تر بودن جمعیت زنان در شهر تهران، کاهش چشمگیر آنها در اوج سنین فعالیت و اشتغال (۴۰-۵۹ سال) و در مقابل، شمار بیشتر جمعیت زنان در سن فعالیت و همچنین کهولت در شهر و منطقه کلانشهری مونترال است؛ این درصدها، از یک طرف گویای شرایط کاملا متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و از سوی

دیگر، اثرات و نتایج مهم اقتصادی و اجتماعی این ساختار و ترکیب جمعیتی است. این تفاوت‌ها، در جداول بعدی (۲ و ۳)، چشمگیرتر شده است: جایی که از کل زنان واقع در سن فعالیت شهر مونترال، ۵۳/۷ درصد و از منطقه کلانشهری آن، ۶۱/۱ درصد، در زمره جمعیت فعال محسوب شده‌اند، در حالی که از کل جمعیت زنان در سن فعالیت شهر تهران، تنها ۱۵/۹ درصد، جزء جمعیت فعال آن به حساب می‌آیند.

جدول ۲- توزیع جمعیت زنان بر حسب فعالیت اقتصادی شهرهای تهران و مونترال (۲۰۰۶-۱۳۸۵)

مکان	جمع	جمعیت فعال			جمعیت غیرفعال (خارج از بازار کار)			ظاهر نشده		
		جمع و درصد	شاغل	بیکار	جمع	محصل	دارای درآمد بدون کار			
تهران	۳۳۵۸۰۲۵	۵۳۵۳۹۹ (۱۵/۹)	۴۶۰۳۱۸	۷۵۰۸۱	۲۷۹۹۸۷۳	۷۵۶۵۸۲	۱۶۶۱۲۴	۱۷۲۷۰۰۲	۱۵۰۱۶۵	۲۲۷۵۳
مونترال	۸۴۰۰۵۰	۷۶۰۸۸۰ (۵۳/۷)	۴۰۸۸۳۵	۳۵۷۱۵	۲۹۵۳۴۵	-	-	-	-	-
منطقه کلانشهری مونترال	۱۵۳۹۹۷۰	۹۴۱۳۹۰ (۶۱/۱)	۸۷۸۱۷۵	۶۳۲۱۰	۵۹۸۵۸۰	-	-	-	-	-

منبع: اقتباس و محاسبه بر پایه نتایج سرشماری دو شهر در سالهای ۱۳۸۵ و

Statistics Canada:2006 Census, Catalogue Number: 94-581-XCB2006004

در مورد جدول ۲، علاوه بر مشاهده تفاوت‌های گسترده در تعداد و درصد جمعیت فعال و غیرفعال اقتصادی، نکته قابل توجه دیگر، عدم تقسیم بندی نیروی انسانی غیرفعال در مورد مونترال است، که دلیل اصلی آن هم، فعالیت اقتصادی اکثریت زنان، اعم از دانش آموز، دانشجو و زنان زیر ۶۰ ساله است؛ جمعیت زنان خارج از بازار کار مونترال، جمعی از زنان بازنشسته، خانه دار و دانش آموزان زیر ۱۶ سال، هستند که فعالیت اقتصادی ندارند. ضمن این که در این شهر، کسب درآمد بدون کار نیز معنا ندارد؛ نیروی کاری که در زمره «سایر» و یا «ظاهر نشده» باشد، نیز موردی ندارد، یعنی طبق قانون کار این کشور www.hrsdc.gc.ca/eng/labour/labour_law/ind_ex.html همه سکنه شهر، از حیث وضعیت شغلی باید کاملاً روشن و مطابق با استانداردهای تعیین شده، باشند. این موضوع را می‌توان با نگاهی اجمالی به آمار جداول ۲ و ۳ نیز به وضوح دریافت. در مقابل، شمار زنان شاغل پاره وقت در کانادا و از جمله در شهر مونترال، قابل توجه است و به ۴۰ درصد کل شاغلین در کانادا می‌رسد (ACTEW.org).

در مورد جدول ۲، علاوه بر مشاهده تفاوت‌های گسترده در تعداد و درصد جمعیت فعال و غیرفعال اقتصادی، نکته قابل توجه دیگر، عدم تقسیم بندی نیروی انسانی غیرفعال در مورد مونترال است، که دلیل اصلی آن هم، فعالیت اقتصادی اکثریت زنان، اعم از دانش آموز، دانشجو و زنان زیر ۶۰ ساله است؛ جمعیت زنان خارج از بازار کار مونترال، جمعی از زنان بازنشسته، خانه دار و دانش آموزان زیر ۱۶ سال، هستند که فعالیت اقتصادی ندارند. ضمن این که در این شهر، کسب درآمد بدون کار نیز معنا ندارد؛ نیروی کاری که در زمره «سایر» و یا «ظاهر نشده» باشد، نیز موردی ندارد، یعنی طبق قانون کار این کشور www.hrsdc.gc.ca/eng/labour/labour_law/ind_ex.html همه سکنه شهر، از حیث وضعیت شغلی باید کاملاً روشن و مطابق با استانداردهای تعیین شده، باشند. این موضوع را می‌توان با نگاهی اجمالی به آمار جداول ۲ و ۳ نیز به وضوح دریافت. در مقابل، شمار زنان شاغل پاره وقت در کانادا و از جمله در شهر مونترال، قابل توجه است و به ۴۰ درصد کل شاغلین در کانادا می‌رسد (ACTEW.org).

جدول ۳- توزیع درصد اشتغال و بیکاری زنان بالای ۱۵ سال شهرهای تهران و مونترال (۲۰۰۶-۱۳۸۵)

مکان	کل جمعیت زنان + ۱۵	کل زنان در بازار نیروی کار	تعداد زنان شاغل	تعداد زنان بیکار	جمعیت خارج از بازار کار	نرخ مشارکت در بازار کار	نرخ اشتغال
تهران	۳۳۵۸۰۲۵	۵۳۵۳۹۹	۴۶۰۳۱۸	۷۵۰۸۱	۲۷۹۹۸۷۳	۱۵/۹	۱۳/۷
مونترال	۷۰۴۱۸۰	۴۰۸۸۳۵	۳۷۳۱۱۵	۳۵۷۱۵	۲۹۵۳۴۵	۵۸/۱	۵۳
منطقه کلانشهری مونترال	۱۵۳۹۹۷۰	۹۴۱۳۸۵	۸۷۸۱۷۵	۶۳۲۱۰	۵۹۸۵۸۰	۶۱/۱	۵۷
استان تهران منطبق بر منطقه کلانشهری تهران	۴۷۲۹۹۴۲	۱۰۰۵۳۳۴	۵۴۰۷۱۹	۴۶۴۶۰۵	۲۸۶۰۵۵۷	۲۱/۲	۱/۲
ایالت کبک	۳۱۷۶۶۶۰	۱۸۹۱۱۵۵	۵۵/۷	۶۷۵	۱۲۸۵۵۰۰	۵۹/۵	۵۵/۷

منابع: اقتباس و محاسبه بر پایه نتایج سرشماری عمومی دو استان و دو شهر در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶).

<http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof/92-591/details/page.cfm> and, <http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof>

نکته حائز توجه در جدول شماره ۳، تفاوت فاحش میان نرخ مشارکت و اشتغال زنان بین دو شهر و دو استان مورد مطالعه است؛ به گونه‌ای که این تفاوت‌ها، به واقع بیان‌گر وجود شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، ساختارهای سیاست‌گذاری و فرصت‌های شغلی بسیار متفاوت، در این شهرها و استان‌هاست.

جدول ۴ گویای اهمیت دانش کاربردی و مهارت‌های شغلی افراد در تصدی و اشتغال به کار است؛ نکته‌ای که از مصاحبه‌های انجام گرفته با زنان و مردان شاغل، نیز بسیار برجسته بود؛ به همین دلیل، از کل زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر مونترال، تنها ۲۶/۳ درصد دارای مدارک لیسانس و بالاتر از آن، و بقیه آنها، دارای مدارک زیر کارشناسی هستند.

جدول ۴- توزیع زنان ۱۵ تا ۶۴ ساله شهر مونترال بر حسب سطح تحصیلات (سال ۲۰۰۶)

سطح تحصیلات	۱۵-۲۴ سال	۲۵-۳۴ سال	۳۵ تا ۶۴ سال	کل و درصد
مدارک زیر متوسطه	۲۷۹۴۵	۱۰۶۸۰	۵۹۹۶۰	۹۸۵۸۵ (۱۶/۷)
مدرک دوره متوسطه	۳۰۷۸۰	۱۸۴۸۵	۷۲۳۰۰	۱۲۱۵۶۵ (۲۰/۶)
مدارک کارآموزی و بازرگانی	۵۸۴۰	۱۳۲۵۵	۳۶۱۷۵	۵۵۲۷۰ (۹/۴)
مدارک دوره‌های کالج، و غیردانشگاهی	۲۲۵۵۵	۲۵۶۱۰	۵۱۲۹۵	۹۹۴۶۰ (۱۶/۸)
مدارک زیر لیسانس	۲۶۵۵۵	۹۴۲۵	۲۳۸۰۵	۵۹۷۸۵ (۱۰/۱)
مدارک دانشگاهی لیسانس به بالا	۱۲۴۶۵	۵۷۴۸۰	۸۵۳۶۰	۱۵۵۳۰۵ (۲۶/۳)
				۵۸۹۹۷۰ (۱۰۰)

منبع: برگرفته از:

<http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof/92-591/details/page.cfm>

جدول ۵- توزیع درصد زنان شاغل بالای ۱۵ سال بر حسب گروه‌های عمده شغلی در شهر تهران (سال ۱۳۸۵)

گروه‌های عمده	مدیران عالی رتبه	متخصصان	تکنسین و دستیار	کارمندان امور اداری، دفتری	کارمندان خدمات	کارکنان ماهر کشاورزی	صنعتگران و مونتازکاران	کارگران ساده
درصد زنان	۴/۵	۳۹/۴	۹/۸	۱۱/۵	۱۰/۲	۱/۱	۱۵/۶	۳/۶

منبع: اقتباس از نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن استان تهران ۱۳۸۵

جدول ۶- توزیع زنان شهر مونترال بر حسب بخش‌های اقتصادی (سال ۲۰۰۶)

بخش‌های اقتصادی	کل	صنایع کشاورزی	ساختمان	تولید کارخانه	عمده فروشی	خرده فروشی	معاملات املاک	خدمات آموزشی، بهداشتی، تجاری و سایر
شهر مونترال	۳۹۴۱۷۰	۲۵۳۵	۲۹۵۰	۳۷۶۰۵	۱۵۹۲۰	۴۶۶۱۰	۲۶۴۶۵	۲۵۹۰۸۰

منبع: <http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof/>

جدول‌های ۵، ۶ و ۷ علاوه بر تفاوت‌های ساختاری میان دو شهر، در زمینه وضوح و شفافیت در طبقه بندی گروه‌های عمده شغلی، نشان دهنده تفاوت‌های گسترده میان دو شهر از حیث تصدی

مشاغل مختلف توسط زنان است. این تفاوت‌ها ریشه در واقعیت‌های زیادی دارد که تنها بخشی از آنها، در این تحقیق اسنادی - میدانی، شناسایی و بررسی شده‌اند. سیستم آموزشی دو کشور تفاوت‌های زیادی

را نشان می دهند: در کانادا، این سیستم بیشتر به سمت فراگیری حرفه و تخصص کاربردی معینی تمایل دارد، در حالی که در ایران، به اخذ مدرک از این رو، شرایط آموزشی، مهارتی و در نتیجه ورود به بازار کار دختران و زنان هم، متفاوت خواهد بود.

جدول ۷- توزیع زنان شاغل منطقه کلانشهری و شهر مونترال بر حسب گروه‌های عمده شغلی، در سال ۲۰۰۶

گروه‌های عمده	کل زنان در گروه‌های عمده	مدیران عالی رتبه	کارکنان متخصص در خدمات تجاری و امور اداری	مشاغل تخصصی علوم طبیعی و کاربردی	مشاغل تخصصی بهداشتی-درمانی	مشاغل دولتی/امور اجتماعی و آموزشی	مشاغل فرهنگی هنری، تفریحی، ورزشی	خدمات فناوری، بیمه، معاملات	خدمات فروش، تجارت، حمل و نقل و متصدی ماشین آلات	پژدازش خاص مراحل پردازش‌های صنعتی
کلانشهری منطقه	۹۱۷۹۲۰	۷/۵	۲۸/۹	۳/۴	۹/۴	۱۳/۵	۲۳	۲۵/۸	۲	۷/۲
شهر مونترال	۳۹۴۱۷۰	۲۸۰۶۰	۱۰۶۷۲۵	۱۴۱۴۰	۳۵۹۲۰	۵۶۳۸۵	۲۴۰۹۵	۹۹۸۳۰	۷۲۸۵	۲۱۴۲۵

منبع: اقتباس از

Census 2006, Montreal, in: www.stat.gov.qc.ca and www.statcan.gc.ca
<http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof>

همان گونه که جداول فوق نشان می دهند، تعداد و درصد تصدی زنان مونترال، در همه گروه‌های شغلی، که به وضوح تعریف و تفکیک شده‌اند، نشان دهنده حضور تخصصی آنها در بازار کار است.

جدول ۸: توزیع زنان فعال اقتصادی (۱۵+ سال) منطقه کلانشهری مونترال و شهر تهران بر حسب وضع شغلی

(۲۰۰۶-۱۳۸۵)

گروه	کل زنان فعال	غیرقابل طبقه بندی	همه گروه‌ها	کارکنان دستمزد بگیر (عمومی و خصوصی)	کارفرما	خوداشتغال گروهی	خوداشتغال فردی	کارگران خانگی بدون دستمزد
مونترال	۹۴۱۳۸۵	۲۳۴۷۰	۹۱۷۹۲۰	۸۶۴۳۴۵	۸۴۴۴۲۵	۱۹۹۲۵	۵۱۰۵۰	۲۵۱۵
تهران	۵۳۵۳۹۹	۱۱۰۴۴۱	۴۲۴۹۵۸	۱۶۶۶۵۴ (خصوصی) ۱۹۲۰۸۸ (عمومی)	۲۲۳۴۴	-----	۳۹۶۵۱	۴۲۲۱

منبع: www.stat.gov.qc.ca Census 2006, Montreal, in

با وجود فزونی جمعیت فعال زنان مونترال نسبت به تهران (علی‌رغم بیشتر بودن جمعیت زنان تهران)، تعداد زنان فعال تهرانی که دارای مشاغل نامشخص یا غیر قابل طبقه‌بندی و بعد از آن، تعداد زنانی که در بخش عمومی یا دولتی مشغولند، بیشتر است. در حالی که، مهارت‌ها و تخصص زنان، حمایت‌های دولتی و خصوصی از کارآفرینان و سهولت در پذیرش و انجام مسئولیت‌های شغلی در کانادا و از جمله شهر مونترال، سبب شده تا تعداد زنان کارفرما، خود اشتغال (۷۱ هزار نفر)، و شاغل در بخش‌های تخصصی، بیشتر

مسائل اقتصادی، به ویژه بیکاری بخش بزرگی از زنان، است. بنابر این، محقق با آگاهی از ساختار اشتغال زنان در تهران، مستقیماً به بررسی جامعه شاهد، یعنی جامعه شهری که شناخت شرایط و جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی آن، می‌تواند به تحلیل موضوع اشتغال و بیکاری، کمک کند^{۱۲}، می‌پردازد:

- به طور کلی، فرهنگ عمومی هر جامعه‌ای، نگرش و تلقی‌های ویژه‌ای از فردیت، شخصیت و موجودیت افراد، نظام خانواده و ... پدید می‌آورد. فرهنگ عمومی جامعه شهری مونترال، متأثر از نگرش‌ها و دیدگاه‌های لیبرال و نئولیبرالیستی، بر اقتدار فردی (بدون توجه به جنسیت)، رفع نیازهای هر انسان توسط خودش، بی‌اتکاء به اعضای خانواده، و از این‌رو، عدم استحکام بالای خانواده، تاکید و تمرکز دارد. در نتیجه هر انسانی (اعم از زن و مرد) باید از فرصت کسب درآمدی برخوردار باشد. نگاه فرهنگ عمومی به زن، با وجود آثار منفی آن، نگرش خاصی است که دلالت بر استقلال و اقتدار ویژه او دارد و از این‌رو، او همانند دیگر انسان‌ها، از سن هیجده سالگی، بدون داشتن شغل و درآمد قادر به ادامه حیات مستقل و مقتدرانه نخواهد بود. انسان‌ها از حیث شخصیتی، از تصدی هر نوع شغلی، که بتواند آنها را از لحاظ مادی، تامین نماید، ابراز خرسندی و رضایت می‌کنند. از این‌رو، به اندازه تمام افراد جامعه شغل وجود دارد. مصاحبه‌های انجام شده با مردم نشان داده که از نگاه آنها، نفس کار کردن، مهم است، نه نوع کار و حتی نه مدت آن؛ چرا که کارهای نیمه وقت و یا فصلی زیادی در این شهر وجود دارد که در مواقع زمانی خاصی،

۱۲ محقق در اینجا در مقام قضاوت در مورد حسن و قبح یا مثبت و منفی بودن شرایط و فضاهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شهری مونترال، نیست.

شود. بی دلیل نیست که گفته می‌شود که کشور کانادا بیشترین حجم زنان خود اشتغال و کارآفرین را در جهان دارد؛ شمار این گروه از شاغلین به نقل از وب سایت‌های رسمی زیر، در سال ۲۰۰۶، ۳۵/۱ درصد کل جمعیت خوداشتغال کانادا را زنان تشکیل می‌دادند. (<http://www.canadabusiness.ca/eng>)

(Statistics Canada, Labour Force Survey, Available in: <http://www.statcan.gc.ca/pub/89f0133x/2006000/t/4064659-eng.htm>) و به دلایل متعددی که در ادامه می‌آید، کارآفرینی زنان کانادا بسیار پرسرعت و درآمد زاست. تقریباً همه کسانی که از کالج و یا دانشگاه فارغ التحصیل می‌شوند، بسرعت می‌توانند جذب مشاغل تخصصی در رشته خود شوند (مصاحبه‌های انجام گرفته با کارکنان مرکز اجتماعی کارگران مهاجر در مونترال^{۱۱}، شهر مونترال، ۲۰۱۱) و (<http://sbinfocanada.about.com/cs/womeninbusiness/a/womenissues1.htm>)

۳-۱- یافته‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و

سیاسی (قوانین و سیاستگذاری‌ها)

سخن اصلی مقاله حاضر، وجود و علل برخی تفاوت‌های ساختاری و ریشه‌ای، در زمینه اشتغال، به ویژه اشتغال زنان بین دو جامعه شهری است. به طور کلی، وجود تفاوت‌های بنیادی در ساختار اشتغال دو کلانشهر تهران و مونترال، از دو جامعه کاملاً متفاوت از حیث سطح توسعه، و به دلایل متعدد تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، پدیده‌ای غیرقابل اجتناب است. ولی هدف تحقیق حاضر، از شناسایی و بیان این تفاوت‌ها، در نهایت یافتن روزه‌ها و نکات مثبتی، برای برون رفت از برخی

که مشغول به تحصیل می‌شوند و جنبه‌های کاربردی رشته تحصیلی خود را فرا می‌گیرند، می‌توانند بتدریج در موسسات و شرکت‌های مرتبط، کار نیمه وقت داشته باشند.

- ثبات نسبی اقتصادی، رشد زمینه‌های تخصصی، فنی و علمی، شرایط مساعد بانکی، و از این قبیل، سبب شده تا حضور زنان در بازار کار این کشور و از جمله شهر مونترال، تسهیل شود و تاسیس شرکت و موسسه‌های کوچک، بسیار پرسرعت و درآمدزا باشد. به طوری که یک دوره کوتاه آموزشی بعد از دیپلم زمینه اخذ مجوز و تسهیلات لازم مالی برای ایجاد یک فعالیت اقتصادی یا تجاری خودگردان را برای همه افراد (اعم از زن و مرد) پدید می‌آورد. کارآفرینی به ویژه از سوی زنان تحصیل کرده مونترال، یکی از زمینه‌های مثبتی است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. امروزه، این زنان، برای شمار زیادی از زنان مقیم و مهاجر شغل ایجاد کرده‌اند. به همین دلیل، رشد شرکت‌ها و موسسات کوچک در کانادا و از جمله مونترال، که زنان بیشترین نقش را در ایجاد و گسترش آنها دارند، بسیار بالاست. با توجه به نقش روبه رشد زنان در اقتصاد کانادا، در هر ایالتی، کمیسیون ویژه‌ای برای اعطای تسهیلات کارآفرینی زنان وجود دارد؛ وظیفه آن، شناسایی چالش‌ها و مشکلات فراروی زنان در حوزه کارآفرینی و ارائه راه حل برای رفع این مشکلات، برگزاری برنامه‌های آموزشی برای زنان، در زمینه‌های نظیر تأمین اعتبار کارآفرینی، مدیریت منابع انسانی و معرفی رویه‌های موفق بین‌المللی در حوزه‌های گوناگون فعالیت زنان کارآفرین است. یکی از واقعیت‌های تلخ در مورد کارآفرینی زنان در کانادا این است که هنوز هم بانک‌ها هنگام ارائه تسهیلات به زنان، توانایی بازپرداخت آنها

طالب نیروی کار است^{۱۳}. بنابراین، هر کسی بنا به روحیه، نیازها و توانایی‌هایش، کاری را عهده دار می‌شود.

- از لحاظ اجتماعی، تشکل‌ها، نهادها و سازمان‌های خاصی^{۱۴} در خدمت کمک و تأمین شرایط لازم برای کسب یک فرصت شغلی مناسب و با دستمزد، برای مردان و زنان هستند. ضمن اینکه قوانین و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، امکان برخورداری همه افراد از آموزش و تسهیلات لازم برای مهارت‌یابی و توانمندی شغلی را فراهم آورده‌اند، سیستم آموزشی این ایالت، به گونه‌ای است که دانش آموزان، بعد از اخذ درجه دیپلم متوسطه، با گذراندن یک دوره ۲ یا ۳ ساله آموزش کاربردی- حرفه‌ای، می‌توانند در بازار کار جذب شوند؛ و ضرورتاً نیاز به آموزش‌های دانشگاهی ندارند. از سوی دیگر، تمامی دانشگاه‌ها، کالج‌ها و موسسات آموزش عالی در مونترال، برحسب اعلام نیاز بازار کار کشور و منطقه، نیرو جذب و آموزش می‌دهند. از این رو، اغلب دانشجویان از زمانی

۱۳ مانند مشاغل زمستانی از جمله: برف روبی و تمیز کردن خیابان‌ها، برگزاری جشنواره‌های فرهنگی- هنری زمستانی، و مشاغل بهاره و تابستانه از جمله: جنگل‌بانی و حفظ آنها از حریق، فعالیت‌های مزرعه‌ای و کاشت محصولات بونه‌ای، و برداشت آنها (بخش‌هایی از حومه شهر مونترال به فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری اختصاص دارد) و جشنواره‌های تابستانی.

۱۴ عبارتند از: مرکز حمایت‌های دولتی از فعالیت‌های اقتصادی خودجوش و کارآفرین:

http://sbinfocanada.about.com/od/govtprograms/Government_Programs.htm

http://www.actew.org/projects/pwpsite/snapshots/canadian_women.html - جامعه التزام به آموزش و اشتغال

زنان یا ACTEW

مرکز اجتماعی کارگران مهاجر www.cnt.gouv.qc.ca، مرکز شغل‌یابی با ارائه مشخص و دقیق نوع شغل، دوره زمانی شغل، میزان دستمزد و مقدار ساعت کار:

<http://emploi.quebec.net>

را با دقت بسیار بالاتری نسبت به مردان مورد ارزیابی قرار می‌دهند. با وجود تبعیض‌های جنسیتی در اقتصاد کانادا، رشد تعداد کارمندان و کارآفرین‌های زن در این کشور بسیار چشمگیر بوده است (نتایج مصاحبه‌ها با افراد مسئول در مرکز اجتماعی کمک به کارگران مهاجر شهر مونترال، و www.cnt.gouv.qc.ca).

- از حیث قوانین و سیاست‌های موثر بر سیستم بازار کار، قابل ذکر است که مونترال، همانند سایر شهرهای کانادا، تابع سیاست‌ها و قوانین ایالتی است^{۱۵}. برای شناخت این تاثیرپذیری، به قوانین، اسناد قانونی و مراکز مرتبط با آنها مراجعه کردیم. مراجعه به قوانین و سیاست‌های اجرایی در هر جامعه قانونمندی، مهمترین ابزار در کشف و تبیین واقعیت‌هاست. برای نمونه یکی از قوانین کار در این ایالت، تامین مالی (اعطای تسهیلات و وام کم بهره) افراد کارآفرین^{۱۶} و جویای شغل است. از این رو، همه فارغ التحصیلان مقطع متوسطه به بالا، می‌توانند از این مزایای مالی، استفاده کرده و ضمن ایجاد شغل برای خود، افراد دیگری هم به کار مشغول نمایند. با این اقدام اساسی، هم از میزان بار تکفل بر خانواده، نظام اقتصادی شهر و دولت محلی می‌کاهند و هم در نهایت، موجب افزایش بهره‌وری اقتصاد شهری، منطقه‌ای و رشد تولید ناخالص داخلی می‌شوند.

۴- نتیجه‌گیری

این مقاله، حاصل مطالعه‌ای تطبیقی راجع به موقعیت زنان شاغل در بازار کار شهرهای مونترال و

تهران، با تاکید بر شاخص‌هایی مانند توزیع جمعیت زنان در سن کار، بر حسب موقعیت عمده فعالیت (شاغل، بیکار و غیرفعال)، نرخ مشارکت زنان در بازار کار، نسبت زنان شاغل به کل جمعیت زنان در سن کار، نرخ بیکاری زنان، اشتغال بخشی (کشاورزی، صنعت، خدمات)، اشتغال غیررسمی، اشتغال پاره وقت، توانایی‌ها و مهارت‌های تحصیلی، آموزشی نیروی کار و با اهدافی از جمله، بررسی عناصر و عوامل ساختاری موثر بر ترکیب اشتغال که در شهرهای مختلف جهان، مراتب متفاوت دارند؛ و ترسیم دورنمایی از این ساختارها، برجسته کردن جنبه‌های مثبت و منفی آنها برای یافتن راهکارهای ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی، و از این رو، کاهش روند بیکاری در جامعه ایران است. همان گونه که در متن قابل مطالعه است، می‌توان نتایج یافته‌های تحقیق و توصیه‌های مبتنی بر آنها را به شرح زیر جمع‌بندی نمود:

- دو شهر از حیث تعداد زنان شاغل در بازار نیروی کار، نرخ مشارکت و نرخ بیکاری تفاوت زیادی را نشان می‌دهند؛ این تفاوت‌ها ریشه در ساختار اقتصادی، سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و شرایط فرهنگی دو شهر دارد.

- دو شهر از نظر قوانین و ضوابط مالی، اداری، شغلی و حقوق شهروندی و در نتیجه از حیث وجود سازمان‌ها، موسسات و مراکز حمایت کننده از کار و اشتغال افراد بسیار متفاوت هستند.

- کلیت سیستم آموزشی در ایران نیازمند تحولی اساسی بر پایه فراگیری حرفه و مهارت خاص بجای تاکید بر اخذ مدرک، برای زنان و مردان است. این تحول سبب تاکید شرکت‌ها و موسسات اقتصادی بر

۱۵ این قوانین در وب سایت هایی که قبلا ارائه شد، قابل مشاهده و بررسی هستند.

۱۶ افرادی که دارای ایده، طرح و توانایی علمی و یا کاربردی مشخصی برای شروع یک فعالیت اقتصادی هستند.

بیشتر آنها، به فعالیت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی، فردی و گروهی شده است. این روند تا آنجا پیش رفته که حجم زیادی از این نوع مشاغل توسط زنان انجام می‌شود.

- بنابراین، می‌توان با ترسیم و تقویت فرهنگ تازه ای از کار و اشتغال، ابتدا در میان تصمیم گیران و مدیران شهری و محلی، و سپس تسری آن به جامعه، به ویژه از طریق ایجاد و گسترش نظام آموزشی مبتنی بر کسب مهارت، حرفه و سواد کاربردی برای همه افراد؛ ترویج و التزام به اجرای دقیق نظام حقوقی و قانونی روشن، شفاف و قطعی مصوب در زمینه اشتغال همه افراد؛ تقویت فضای فرهنگ عمومی متناسب و تسهیل کننده اشتغال زنان؛ و سیستم اقتصادی و مالی پویا، کارآمد و باثبات با تشویق و تسهیل تولید شغل و کارآفرینی زنان، می‌توان هم از بروز بسیاری تخلفات و موانع متعدد موجود کاست و هم به کاهش بیکاری و ارتقاء موقعیت اقتصادی-اجتماعی زنان در جامعه شهری امیدوار بود.

منابع

علمی، زهرا، (۱۳۸۳)، سیاست‌های اقتصادی کلان و بازار کار در ایران، پژوهش زنان: ش ۷، دوره ۲، صص ۱۷-۳۷.

مامسن، ژانت، (۱۳۸۸)، جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی، تهران: دانشگاه تهران.

مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نشریه کل کشور.

مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نشریه کل کشور.

جذب مهارت و تخصص‌های موردنیازشان، به جای تاکید بر مدرک می‌شود. از این رو، تفاوت بین جنسیتی زیادی، در زمینه جذب بازار کار شدن پدید نمی‌آید. تداوم این شرایط سبب عدم رواج تبعیض شغلی در جامعه، تعادل در تصدی امور و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی-اجتماعی توسط زنان و مردان، تشویق آنها به کارآفرینی و ایجاد مشاغلی در کنار شغل خود، و افزایش نرخ مشارکت و در نهایت کاهش بیکاری خواهد شد.

۵- پیشنهادها

- تعیین یا عدم تعیین سن شروع به کار، ملاکی برای حفظ بازار کار و سلامت اقتصاد شهری نیست؛ ولی می‌تواند بیان کننده نگرش، فرهنگ و تلقی‌های عمومی از شخصیت انسانی و نفس کار باشد. نادیده گرفتن سن شروع به کار افراد و تسهیل داشتن یک شغل قابل اتکاء (حتی بصورت یک کار نیمه وقت)، نه تنها سبب ارج نهادن به کرامت انسانی و استقلال فردی می‌شود، بلکه در افزایش نرخ مشارکت در بازار کار و کاهش بیکاری نقش زیادی ایفاء می‌کند. زمانی که دانش آموزان و دانشجویان، صرفنظر از جنسیت، در کنار تحصیل خود بتوانند به کاری مشغول شوند، ضمن ارتقاء روحیه و تحول در فرهنگ کار، در کل جامعه، آنها را پذیرای مسئولیت‌های بیشتر در آینده، با تجربه کاری بیشتر، کاهش فشار اقتصادی بر خانواده، و در نهایت کاهش بیکاری در بلندمدت را به دنبال خواهد داشت.

- دلایلی از جمله، وجود تبعیض‌های جنسیتی، در محیط و ساختار بازار کار، وجود آموزش‌های فنی-حرفه‌ای قوی و کارآمد و روحیه و جایگاه فرهنگی بالای زنان در شهر مونترال، سبب جذب و گرایش

- http://www.actew.org/projects/pwpsite/snapshots/canadian_women.html
- http://www.aftab.ir/articles/view/economy_marketing_business/job/_entrepreneurship_p1.php
- http://www.ilo.org/global/What_we_do/Statistics/standards/lang--en/index.html
- http://www.stat.gouv.qc.ca/donstat/societe/analysis_difrn_sex/hmi_ads_an.htm#compensation
- <http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof>
- ILO, 2010, Women in Labour Markets: Measuring Progress and Identifying Challenges, Geneva: International labour Office.
- Momsen, J. H., 2004, Gender and Development, London: Routledge.
- Quiggin, J., 2000, Neoliberal globalization and the scope for employment policy Development, (43) 2: 15-17 (1 June 2000).
- Tam, V. C.W., 1999, Foreign domestic helpers in Hong Kong and their role in childcare Provision' in Janet H. Momsen (ed.) Gender, Migration and Domestic Service, London and New York: Routledge.
- Tzannatos, Zafiris, 1998, Women and Labour Market Changes in the Global Economy available in : <http://siteresources.worldbank.org/INTGENER/Resources/tradezafiris.pdf>
- Walks, R. Alan, 2009, The urban in fragile, uncertain, neoliberal times: towards new geographies of social justice? Canadian Geographer, 53(3), 345-356.
- Women and the EI Program, Canadian Centre for Policy Alternatives, 2007, available in: http://www.policyalternatives.ca/documents/National_Office_Pubs/2007/Women_and_the_EI_Program.pdf
- سایت مرکز اجتماعی کارگران www.cnt.gouv.qc.ca مهاجر، شهر مونترال
- www.hrsdc.gc.ca/eng/labour/labour_law/index.html
- نوروزی، لادن، (۱۳۸۲)، تفاوت‌های جنسیتی در ساختار اشتغال، پژوهش زنان، سال دوم، شماره یکم.
- یزدخواستی، بهجت و احمدی، وکیل، (۱۳۸۶)، بررسی وضعیت فعالیت و اشتغال زنان در ایران با تاکید بر سرشماری ۱۳۸۵، مطالعات زنان، سال اول، شماره سوم.
- Bahramitash, R., 2005, Libration from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia, Zed books.
- Brugmann, Jeb, 2009, Welcome to the Urban Revolution: How Cities are changing the world, Canada: Viking Press.
- Collins, J.L., & Leonardo, M.D., 2008, New Landscapes of Inequality: Neoliberalism and the Erosion of Democracy in America, School for Advanced Research Press.
- Domosh, Mona, and Joni Seager. 2001, Putting in place: Feminist geographers make sense of the world, NewYork: Guilford press.
- Empolyability Services for Unempolyed Women, Montreal, Qubece, available in : <http://www.centredesfemmesdemtl.org/en/optionelle/fema.html>
- Fagan B. and Dowling, R. 2005, Neoliberalism and Suburban Employment, Geographical Research, March(43)1: 71-81.
- Fridemann, J., & Wolff, G., 1982, World City Formation: an agenda for research and action, International Journal of Urban and Regional Research, 6(3): 309-344.
- Harvey, D., 1989, The Condition of Postmodernity, Baltimore, MD: John Hopkins University Press.
- <http://sbinfocanada.about.com/cs/womeninbusiness/a/womenissues1.html>

Women in Urban Labour Market (Comparative study: Cities of Tehran & Montréal)

Z. Fanni

Received: 4 July 2011 / Accepted: 14 October 2011, 15-18 P

Extended abstract

1- Introduction

Employment has the main, vital roles in human life and socio-economical progressives (see: ILO, 2010, Women in Labour Markets: 2; Momsen, J. 2004). One of the important goals every socio-economical, political system in the world is to supply high social economical welfare which it will be done by equal distribution of income, improvement of educational, health and welfare facilities and opportunities for all. This will not be taken place unless all people (male and female) take part in economical affairs and activities (Refer to: Tzannatos, Z., 1998). By further participation, the rate of fertility will be decreased, reversely; productivity, production and GNP increased. Undoubtedly, the lead structural factors (Cultural, social, economical and political elements) have affected on male and female employment. This trend can make their labor or culture and behavior.

To improve employment it is apply to measure level of economical mechanisms. One of these evaluations may study the specifics of female employment in cities which are differing in economical, social, political and cultural policies. Female employment is much more affected by structural, historical factors which form total employment composition; these factors are much varies in cities of the world.

1-1- Objectives

To detect effective structural elements on employment (esp. women) in both urban societies, Tehran and Montreal, in order to find out positive and negative distinctions;

Study and evaluate positive aspects of culture of job and employment in a city which higher than 50 percent of women is employee and then conclude results and provide guideline for improve employment in Iran and Tehran.

1-2- Main question and Thesis

The main question of research is: what are causes of structural differences in the educational system in both cities, Tehran and Montreal? And what elements affect on female employment mainly?

The thesis related to this question is: educational system and job culture are the

Author

Z. Fanni (✉)
Assistant professor of geography and urban planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
e-mail: Z-fanni@sbu.ac.ir

important differences in female employment of Tehran and Montreal. So, this thesis emphasis on distinction of education level between women in both cities.

This research supposes getting certificate and rank of education affect on the rate of female labour in the both cities. Therefore it was supposed that in these cities, there is difference between getting certificate and professional education and skills in entrance to labour market. Also, they are differing in attitude and thought with job and economic activity; and this effect on rate of female employment.

2- Theoretical Bases

There are various theories about the situation of women in labour market including: Neoclastic theory, Labour Segmentation theory, Neo-liberalism and Feminism theory. These theories believe that gender roles are based on weak position of women in labour market. What that is important for this research is the effects of employment policies which have rooted by these theories, especially for women in both of developed and developing countries. One of these effects has been called "Female marginalization in urban employment". By going over mentioned theories we can find out female employment more than men has been affected by global capitalism and neo-liberalism. This structural affectability of gender employment mechanism in both of study societies shows clear differences. For example, Montreal with high economic-social development, high educated female labour market has low attraction, while less educated women have been employed rapidly in low wage jobs. This trend has cleared dominant of extra beneficial approach and a kind of female marginalization on purposely which is differ from Tehran's labor market deeply.

3- Discussion

Generally, there are many fundamental economical, social and political differences between Tehran and Montreal in their employment structures. This research has followed to discover the reasons of high rank female employment in Montreal in order to find out adjusting ways to reduce female unemployment in Tehran.

Everyone has to have equal opportunity for employment. Women like men should be independent person and authority socio-economically. So, the local government is responsible to provide or encourage individuals and institutes establishing enough jobs everywhere and every time.

There are many policies and strategies in employment field which facilitate to supply and help all of needs to have job. There are non-governmental organizations which provide social and economical situations to find job and expand it gradually. Some condition including: relative economic stability, growth of professional technical and scientific situations, bank facilities and etc. have easy entrance and participate women in Montreal's labour market; and the establish of small income institutes are rapid and easy. So, entrepreneurship especially for educated women is one of positive interest in Montreal which should be emphasis in Tehran too. Today, entrepreneur women have established many jobs for immigrant's women. In spite of gender discrimination in labour market of Canada, it has been increased the rate of entrepreneur women and female employees.

Montreal like other cities in Canada is managed by Provincial Laws and policies. I referred to legal politic documents and official centers for knowing legal's affects. Referring to administrable laws and policies in every society is the most important way for knowledge and explanation of facts. For example, one of financial laws in Quebec

Province is providing low benefit loans to entrepreneurs and job seekers. So, all graduates from secondary level to high academic degrees can use financial helps and able to create several jobs for others as well as their selves. Therefore, they decrease dependency rate on economy of family, city and local government.

4- Conclusion

I have drive and concluded the results and proper recommendations as are follow:

Both of cities have shown much difference in rate of employed women, rate of participation and rate of unemployment. These differences have rooted in economic structure, policies and cultural conditions.

These cities are much variety at job, financial and administrative laws and citizenship rights and policies. So, they are differing at organizations, institutes and related job centers.

Educational system of Iran need to essential changes base on teaching skills instead of getting certificate. This transformation cause to motivate economic institutes that they emphasis on skills and professionals of labour forces. Subsequently, it should be low gender discrimination in labour market and unemployment for both men and women.

Determination or indetermination the age start a job is not criteria for job market preservation and urban economy health. But it may show especial culture and public thoughts about human personality and work substance.

At some cases, to neglect work start age, and to facilitate to have a reliable job (even part time job), not only improve human authority and independency but also, it has important role at increase rate of participation in labour market and decrease unemployment.

Of course, there are some reasons that women in Montreal mainly have been attracted by entrepreneurial market and self-employed activities including: gender discriminations at work place, high

professional-technical training and high female personality, self-confidence and cultural situation.

5- Suggestions

Finally, by drawing, introduce and enhancing a new complete job culture or treatment, first among urban managers and policy makers then the rest of urban society, we able to transform and develop employment both men and women. It is possible especially through establish and improve a educational system base on skills and applied activities training for all people, enhancing public culture proper female employment, introduce a dynamic sufficient and stable economic system which encourage and facilitate creating job and female entrepreneurship. After that, it prospect to reduce job discrimination and illegal informal works, decrease unemployment and economic system health, improve the socio-economical situation of women.

Key words: Professional Education system, Female employment, labour market, urban management, Tehran, Montreal

References

- Bahramitash, R. (2003), "Revolution, Islamization and Women's Employment in Iran" 2003, postdoctoral fellow Simone de Beauvoir Institute Concordia university p 230-241.
- Bahramitash, R. (2007) Iranian women during the reform Era(1994-2004) A focus on employment; Journal of Middle East women's studies; Vol. 3, Number 2, Spring 2007 (88-109).
- Bahramitash, R. (2005), Libration from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia, Zed books.
- Brugmann, Jeb. (2009), Welcome to the Urban Revolution: How Cities are changing the world, Canada: Viking Press.
- Collins, J.L., & Leonardo, M.D. (2008), New Landscapes of Inequality: Neoliberalism and the Erosion of

- Democracy in America, School for Advanced Research Press.
- Domosh, M., and Joni S. (2001), putting in place: Feminist geographers make sense of the world, New York: Guilford press.
- Elmi, Z. (2004) Economic macro policies and labour market in Iran, Female Researches (paghoresh_e Zanan), 7(2): 17-37.
- Empolyability Services for Unempolyed Women, Montreal, Qubece, available in: <http://www.centredesfemmesdemtl.org/en/optionelle/fema.html>
- Fagan B. and Dowling, R. (2005), Neoliberalism and Suburban Employment, Geographical Research, March (43)1: 71-81.
- Fridemann, J., & Wolff, G., (1982), World City Formation: an agenda for research and action, International Journal of Urban and Regional Research, 6(3): 309-344.
- Harvey, D. (1989), The Condition of Post modernity, Baltimore, MD: John Hopkins University Press.
- <http://sbinfocanada.about.com/cs/womeninbusiness/a/womenissues1.html>
- http://www.actew.org/projects/pwpsite/snashots/canadian_women.html
- http://www.aftab.ir/articles/view/economy_marketing_business/job/_entrepreneurship_p1.php
- http://www.ilo.org/global/What_we_do/Statistics/standards/lang--en/index.html.
- http://www.stat.gouv.qc.ca/donstat/societe/anal_difrn_sex/hmi_ads_an.htm#compe nsation
- <http://www12.statcan.ca/census-recensement/2006/dp-pd/prof>
- ILO. (2010), Women in Labour Markets: Measuring Progress and Identifying Challenges, Geneva: International labour Office.
- Iranian Statistic center. (1996) Census of population & Housing, Total of Country.
- Iranian Statistic center (1385) Census of population & Housing, Total of Country.
- Momsen, J. (2004) Gender and Development, Translated by Zohreh Fanni (2009), Tehran University Press.
- Momsen, J. H., 2004, Gender and Development, London: Routledge.
- Noroozi, Ladan. (2004) Gender differences in employment structure, Tehran: Pazhuhish-I Zanan, No.1 (2), 172-184.
- Quiggin, J., (2000), Neoliberal globalization and the scope for employment policy Development, (43) 2: 15-17 (1 June 2000).
- Tam, V. C.W., (1999), foreign domestic helpers in Hong Kong and their role in childcare Provision` in Janet H. Momsen (ed.) Gender, Migration and Domestic Service, London and New York: Routledge.
- Tzannatos, Zafiris, (1998), Women and Labour Market Changes in the Global Economy available in: <http://siteresources.worldbank.org/INTGENDER/Resources/tradezafiris.pdf>
- Walks, R. Alan, (2009), the urban in fragile, uncertain, neoliberal times: towards new geographies of social justice? Canadian Geographer, 53(3), 345-356.
- Women and the EI Program, Canadian Centre for Policy Alternatives, (2007), available in: http://www.policyalternatives.ca/documents/National_Office_Pubs/2007/Women_and_the_EI_Program.pdf
- www.cnt.gouv.qc.ca
- www.hrsdc.gc.ca/eng/labour/labour_law/index.html
- Yazd Khasti, B. & Vakil Ahmadi, (2007) Evaluation of Female employment situation in Iran with emphasis on data 2006, Women studies Journal (Motaleate Zanan): 1 (3).